



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

موضوع کلی: تحریف در قرآن

تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۹۱

موضوع جزئی: ادله عدم تحریف - روایات (روایات دال بر استشهاد ائمه (ع) به قرآن)

مصادف با: ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۲۵

سال: سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در طوائف مختلف روایاتی بود که بر عدم تحریف قرآن اقامه شده است، ما تا اینجا سه طائفه از روایات را نقل کردیم و شبهات و اشکالاتی که متوجه استدلال به این روایات بود هم بیان شد.

#### طائفه چهارم:

روایاتی که بر استشهاد و استدلال ائمه معصومین (ع) در موارد مختلف به قرآن می‌کند، این روایات در ابواب مختلف فقهی وارد شده که در بحث‌های گذشته به بعضی از آنها اشاره کرده‌ایم.

**روایت اول:** روایتی است که درباره وضوء و کیفیت مسح وارد شده: عَنْ زُرَّارَةَ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ «ع»: «أَلَا تُخْبِرُنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ وَقُلْتَ إِنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ وَبَعْضِ الرَّجُلَيْنِ وَذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) ثُمَّ فَصَّلَ بَيْنَ الْكَلَامِ فَقَالَ وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ فَعَرَفْنَا حِينَ قَالَ بِرُؤُسِكُمْ أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ لِمَكَانِ الْبَاءِ»<sup>۱</sup> راوی از امام باقر (ع) درباره مسح سؤال می‌کند و امام (ع) فرمودند: بعضی سر برای مسح کافی است، راوی سؤال می‌کند: از کجا شما فهمیدید که مسح به بعضی سر کفایت می‌کند؟ امام (ع) فرمودند: از «باء» در آیه شریفه «وامسحوا برؤوسکم».

**روایت دوم:** این روایت در مورد شخصی است که جلوس در بیت الخلاء را برای استماع غناء طولانی می‌کرد عَنْ مَسْعُودَةَ بِنِ زِيَادٍ قَالَتْ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي إِنِّي أَدْخُلُ كَنِيفًا لِي وَ لِي جِيرَانٌ عِنْدَهُمْ جَوَارِيَتَيْنِ وَيَضْرِبْنَ بِالْعُودِ فَرَبَّمَا أَطَلْتُ الْجُلُوسَ اسْتِمَاعًا مِنِّي لَهِنَّ فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ فَقَالَ: الرَّجُلُ وَاللَّهِ مَا آتَيْهِنَّ إِلَّا مَا هُوَ سَمَاعًا سَمِعَهُ بِأُذُنِي فَقَالَ لِلَّهِ أَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ [إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ تَهُ مَسْئُولًا]<sup>۲</sup>. این روایت هم متضمن استناد به آیه‌ای از آیات قرآن برای بیان یک حکم شرعی است.

**روایت سوم:** روایتی است که در مورد جیره وارد شده: عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَثَرْتُ فَانْقَطَعَ ظَفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إصْبَعِي مَرَارَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ قَالَ يُعْرَفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ امْسَحْ عَلَيْهِ»<sup>۳</sup>؛ شخصی که انگشتش زخم شده بود و آن را با پارچه‌ای

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴؛ تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۶۱، ح ۱۶۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۱۲، کتاب الطهارة، باب ۲۳ من ابواب الوضوء، ح ۱.

۲. اسراء/۳۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۳۲، ح ۱۰؛ تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۷۷؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۳۱، کتاب الطهارة، باب ۱۸ من ابواب الاغسال المسنونة، ح ۱.

۴. کافی، ج ۳، ص ۳۳، ح ۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۶۴، کتاب الطهارة، باب ۳۹ من ابواب الوضوء، ح ۵.

بسته بود از امام صادق (ع) در مورد کیفیت وضوء سؤال کرد، حضرت فرمودند: آن مقداری که باز است را با آب بشوی و آن مقداری که بسته است را با دست مرطوب مسح کن و در وجه این حکم فرمودند: این حکم و اشباه آن از کتاب خدا معلوم می‌شود که خداوند می‌فرماید: در دین اسلام برای شما سختی قرار داده نشده است، لذا بر همان جبیره مسح کن.

با توجه به روایاتی که ذکر شد اصل استشهاد و استناد ائمه معصومین (ع) به آیات قرآن واضح و روشن است. حال باید ببینیم استدلال به آیات از طرف ائمه (ع) چگونه بر عدم تحریف دلالت می‌کند؟

تقریب استدلال به این روایات این است که اگر قرآن حجت مستقلة نبود و به عنوان دلیلی که نیازمند تصویب و امضاء ائمه (ع) می‌باشد مطرح بود در این صورت وجهی برای استشهاد و استدلال به این آیات وجود نداشت. ما می‌خواهیم از استشهاد ائمه (ع) به آیات قرآن نتیجه بگیریم قرآن نیازمند تأیید و تصویب ائمه (ع) نیست و حجیت قرآن مستقل است.

استشهاد ائمه (ع) به آیات قرآن منحصر به مواردی که مورد اختلاف با علماء عامه می‌باشد نبوده، یعنی این گونه نبوده که ائمه (ع) فقط در جاهایی که با علماء عامه اختلاف دارند به آیات قرآن استشهاد بکنند بلکه در غیر این موارد هم به آیات قرآن استشهاد و استدلال شده است، حال اگر ما قائل به تحریف شویم لازمه‌اش این است که ملتزم شویم به اینکه حجیت قرآن متوقف بر امضاء ائمه (ع) می‌باشد در حالی که به طور قطع و یقین حجیت کتاب متوقف بر امضاء و تأیید ائمه (ع) نیست، پس قول به تحریف قرآن ملازم با عدم استقلال قرآن در حجیت است که بحث مفصل آن در بحث از حدیث ثقلین گذشت، و عدم استقلال قرآن در حجیت مطلبی است که بطلان آن را در بحث از حدیث ثقلین ثابت کردیم و چون باطل است نمی‌توانیم قائل به تحریف شویم، اگر حجیت کتاب متوقف بر امضاء ائمه (ع) بود استشهاد به آیات قرآن معنی نداشت پس استشهاد به آیات قرآن از طرف ائمه (ع) نشان دهنده این است که حجیت کتاب متوقف بر امضاء و تأیید ائمه (ع) نیست در نتیجه تحریف باطل است.

**سؤال:** استشهاد ائمه (ع) به آیات قرآن چگونه عدم تحریف را ثابت می‌کند؟

**استاد:** اصل استشهاد به قرآن از طرف ائمه (ع) مسلم است، حال اگر ما قائل به تحریف شویم لازمه آن عدم استقلال قرآن در حجیت است (این ملازمه در بحث از حدیث ثقلین ثابت شد) لکن حجیت کتاب مستقل است و متوقف بر امضاء و تأیید ائمه (ع) نمی‌باشد در نتیجه تحریفی در قرآن صورت نگرفته است، پس قول به تحریف متوقف بر عدم استقلال قرآن در حجیت و توقف حجیت کتاب بر امضاء ائمه (ع) می‌باشد لکن ما قبلاً در بحث از حدیث ثقلین ثابت کردیم که حجیت قرآن مستقل است و متوقف بر امضاء و تصویب ائمه (ع) نیست لذا نتیجه این می‌شود که تحریفی در قرآن واقع نشده است، چون بین قول به تحریف قرآن و عدم استقلال قرآن در حجیت ملازمه است و وقتی ما این ملازمه را از بین بردیم قول به تحریف هم منتفی می‌شود (نفی این ملازمه در بحث از حدیث ثقلین ثابت شد). پس

نفس استشهاد ائمه (ع) به قرآن معنایش این است که حجیت قرآن متوقف بر امضاء ائمه (ع) نیست و حجیت آن مستقل است لذا معلوم می‌شود تحریفی در قرآن صورت نگرفته است.

**بحث جلسه آینده:** ما تا اینجا دو دلیل (کتاب و روایات) بر عدم تحریف قرآن را بیان کردیم، دو دلیل دیگر باقی مانده که عبارت از اجماع و عقل می‌باشد که انشاء الله در جلسات آینده به ذکر و بررسی این دو دلیل خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»